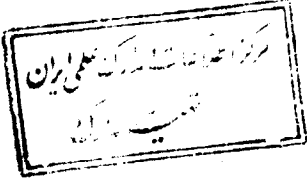


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۵۸۴

۱۳۸۰ / ۴ / ۳۰



دانشگاه قم

مرکز تربیت مدرس قم

## پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام

رابطه خدا و جهان در حکمت متعالیه و مبانی دینی آن

مجتبی امامی

012122

استاد راهنما:

دکتر رضا اکبریان

استاد مشاور:

دکتر محمد حسین حشمت پور

(الف)

۳۴۵۸۴



مرکز تربیت مدرس

مرکز اطلاعات  
و  
مدارک علمی ایران

واحد انتشارات

## قدردانی و تشکر

از آنجا که در طریق علم و فن بدون راهنما نمی توان قدم گذارد و حرکت نمود، نگارش یک رساله فلسفی نیز از این امر مستثنی نیست. اساتید با تجربه به منزله چراغ و راهنمایی هستند که لازم است دست در دست آنان نهاد و در این مسیر دشوار گام برداشت.

اینجانب بر خود لازم می دانم که از استاد گرانقدر خویش جناب آقای «دکتر رضا اکبریان» که زحمت بسیاری در تدوین این رساله متحمل شدند و همچنین از استاد عزیز جناب آقای «دکتر حشمت پور» نیز که بنده را در این امر مهم مساعدت نمودند تشکر نمایم. ان شاء الله خداوند متعال پاداش لازم را به آنان عنایت فرماید.

## چکیده

در مسئله رابطه خدا و جهان ابتدا به سیر تاریخی این بحث در میان فلاسفه مهم یونان و متفکران اسلامی پرداخته شده است. سپس مسایل مهمی که هر یک به گونه ای در تبیین ارتباط خدا و جهان نقش دارند از جمله: کثرت در عالم، عوالم وجود، مبانی فلسفی حکمت متعالیه و شناخت خدای حکمت متعالیه مطرح گردیده است.

فاعلیت خداوند و مسایل مختلف آن، اساسی ترین و مهمترین فصل این رساله است که خود دارای دو بخش جداگانه می باشد. این دو بخش عبارت اند از: تجلی و ظهور از دیدگاه عرفانی صدرالمتألهین و اطلاق و لاحدی بودن فاعلیت حق در حکمت متعالیه. در بخش اول پس از تبیین فاعلیت الهی بر مبنای نظریه تجلی و ظهور و بیان وحدت شخصی وجود، چگونگی ارتباط خدا و جهان روشن گردیده است. در بخش دوم پس از بیان نظرات متفکران اسلامی در خصوص اطلاق و لاحدی بودن فاعلیت خداوند، به ذکر دیدگاه حکمت متعالیه صدرایی در مطلق بودن فاعلیت خداوند و عدم منافات میان فاعلیت الهی و وسایط فیض پرداخته شده است. مطابق مشرب صدرالمتألهین و در راستای تأیید نظرات حکمت متعالیه، از آیات و روایات نیز استفاده گردیده است.

خلقت و آفرینش الهی و چگونگی صدور عالم از ذات بسیط الهی نیز از مصادیق بارز ارتباط خداوند و جهان می باشد. در این نوشتار پس از طرح مسئله آفرینش و دوام فیض الهی، استمرار خلقت جهان مادی با استفاده از اصل حرکت جوهری بیان گردیده است.

در انتها با تبیین علت غایی و ارتباط آن با علت فاعلی به غایتمندی تمام موجودات عالم اشاره شده که پس از آن بحث غایت نسبت به ذات و افعال الهی و در ادامه مباحثی همچون سریان عشق به خدا در همه موجودات عالم، «غایه الغایات» بودن او و مسئله شرور در ارتباط با خداوند مطرح گردیده است.

# فهرست مطالب

صفحه

عنوان

## \*مقدمه شامل:

۲	ضرورت و اهمیت بحث
۳-۴	ریشه ها و روش حکمت متعالیه
۵-۶	تأثیر مبانی دینی در حکمت متعال
۵-۶	اهداف کلی و سؤالات ویژه

## \*فصل اول: سیر تاریخی مسئله رابطه خدا و جهان

۸	پیش درآمد
۸-۱۰	رابطه خدا و جهان از دیدگاه افلاطون
۸-۱۱	... ارسطو
۱۱-۱۲	... اشاعره
۱۲-۱۳	... معتزله
۱۳-۱۴	... فلاسفه مشاء
۱۴-۱۵	... فلاسفه اشراق
۱۵-۱۶	... عرفا
۱۶-۱۷	... الهیات پویشی و بعض صوفیه

## \* فصل دوم : کلیات

۱۹	پیش درآمد
۱۹	وحدت و کثرت
۲۰	اقوال در وحدت و کثرت در وجود
۲۱	وحدت و کثرت در نظام فلسفی صدرالمتألهین
۲۲	تکثر در حقایق امکانی
۲۳	عوالم وجود
۲۶	اصالت وجود
۲۶-۲۹	نظام تشکیکی وجود
۳۰-۳۲	علیت و حقیقت آن در حکمت متعالیه
۳۲-۳۳	امکان فقری
۳۴-۳۵	فاعلیت ایجابی و طبیعی

## \* فصل سوم : خداشناسی در پرتو اصول و مبانی حکمت متعالیه

۳۷	پیش درآمد
۳۷-۳۹	آیا شناخت خدا امکان پذیر است
۴۰-۴۱	شناخت خدا از دیدگاه صدرالمتألهین
۴۲-۴۵	راههای وصول به خداوند
۴۵-۴۷	برهان صدیقین و مؤدای آن
۴۸-۵۰	اسماء و صفات الهی

## \* فصل چهارم :

۵۲	در آمد
<u>*بخش اول از فصل چهارم : تجلی و ظهور از دیدگاه عرفانی صدرالمتألهین</u>	

۵۴-۵۶	اقسام فاعل
۵۶-۵۷	فاعل بالتجلی



۵۷-۵۹	تجلی و ظهور از دیدگاه عرفانی صدرالمتألهین
۵۹-۶۱	چگونگی ارتباط خدا و جهان بر مبنای نظریه تجلی و ظهور
۶۲-۶۵	وحدت شخصی وجود
۶۶	تجلی و ظهور در پرتو آیات و روایات
۶۶-۶۹	آیات
۶۹-۷۰	روایات

**\*بخش دوم از فصل چهارم: اطلاق و لاحدی فاعلیت خداوند در حکمت متعالیه**

۷۲	اقوال و نظرات متفکران اسلامی
۷۲-۷۳	گرایش اشعری
۷۳	گرایش معتزلی
۷۴	گرایش فلسفی
۷۵-۷۷	دیدگاه حکمت متعالیه
۷۷	آیات و روایات در اطلاق و لاحدی فاعلیت خداوند
۷۷-۸۰	آیات
۸۰-۸۱	روایات
۸۲-۸۴	عدم منانیت میان فاعلیت مطلق حق و وسائط فیض

**\*فصل پنجم: نحوه آفرینش جهان و دوام فیض**

۸۶	پیش در آمد
۸۷-۸۹	کیفیت صد و کثرت از وحدت
۹۰-۹۲	صادر اول و ویژگیهای آن
۹۲	مبانی دینی صادر اول
۹۳-۹۶	ربط متغیر به ثابت و چگونگی خلق عالم طبیعت
۹۶-۹۷	استمرار خلق با استفاده از اصل حرکت جوهری
۹۸-۹۹	آیات و روایات

**فصل ششم: جایگاه علت غایی در ارتباط خدا و جهان**

۱۰۰	پیش در آمد
۱۰۱-۱۰۲	علت غایی و ارتباط آن با فاعل
۱۰۳-۱۰۴	غایت‌مندی موجودات عالم
۱۰۵-۱۰۷	تحقیق غایت نسبت به ذات و افعال الهی
۱۰۸-۱۰۹	خداوند غایت همه غایات است
۱۰۹	آیات
۱۱۰	سریان عشق به خدا در عالم
۱۱۱-۱۱۲	آیات
۱۱۳-۱۱۵	شر و نحوه استناد آن به خداوند
۱۱۶-۱۱۹	فهرست آیات
۱۲۰-۱۲۱	فهرست روایات
۱۲۲-۱۲۴	فهرست منابع

## مقدمه :

- \* جایگاه و اهمیت موضوع
- \* ریشه ها و روش حکمت متعالیه
- \* تأثیر مبانی دینی در حکمت متعالیه
- \* اهداف کلی و سؤالات ویژه

## ضرورت و اهمیت بحث

می توان گفت که رابطه خدا و جهان از مهمترین مسائل فلسفه و کلام محسوب می گردد که از دیرباز مطرح بوده است. این مسئله از زمان شکوفایی فلسفه اسلامی مورد توجه بیشتر قرار گرفته است و در هر یک از نظامهای فلسفی «مشاء» و «اشراق» دارای جایگاه خاص و ارزشمندی بوده است.

همان گونه که درجه و اعتبار هر علمی به لحاظ ارزش موضوع و هدف آن می باشد ، امتیاز مسایل یک علم نیز با همان معیار صورت می گیرد. بنابراین مسایل «الهیات بالمعنی الاخص» (۱) نسبت به سایر مسایل فلسفه کلی و ماوراء طبیعت و حتی نسبت به مسئله شناخت نفس ممتاز و برتر خواهد بود.

نوع رابطه خدا و جهان و محدوده تأثیر او در عالم هستی از مسایل مهم بخش الهیات است. نحوه فاعلیت خداوند ، فاعلیت مطلق الهی ، مؤثر بودن خدا در حدوث و بقاء عالم ، علیت غایی بودن و بسیاری از مسایل دیگر که هر یک به گونه ای بیانگر رابطه مذکور می باشند ، بخش اعظم الهیات<sup>۱</sup> در فلسفه و کلام به خود اختصاص دادند.

بدیهی است که تبیین فلسفی این موضوعات از اهداف اصلی فلسفه اسلامی می باشد و هریک از اندیشمندان و حکمای اسلام در راستای این امر مهم تلاش زیادی انجام داده اند.

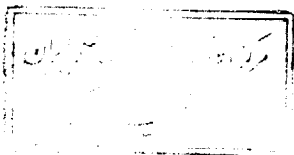
طرح این مسایل و ارائه راه حل فلسفی برای آن در فلسفه صدرایی به اوج خود رسیده است ؛ فلسفه ای که به نام حکمت متعالیه شهرت یافته است.

صدرالمتألهین با اختصاص دادن بسیاری از کتب و تألیفات خویش به بخش الهیات گام بسیار بلندی در این امر مهم برداشته است. وی در کتاب ارزشمند اسفار قبل از شروع در علم الهی خطبه ارزشمندی به عنوان مقدمه به یادگار گذاشته است که در آن نسبت به ارزش و اعتبار این علم در مقایسه با سایر علوم ، اشاره شده است.

---

۱- الهیات بالمعنی الاخص آن بخش از فلسفه است که به اثبات مبدء متعال و صفات ذاتی و افعال و آثار

او می پردازد.



## ریشه ها و روش حکمت متعالیه

### ریشه های حکمت متعالیه

ملاصدرا با نبوغ و ابتکار خویش و استفاده از عناصر برهان ، عرفان و نقل روش فلسفی جدیدی ارائه نموده و آن را «حکمت متعالیه» نامید. این روش نظام مند در مقایسه با دیگر نظام های موجود فکری ، عرفانی و نقلی دارای برتری و تعالی می باشد. هر یک از علوم الهی مانند عرفان نظری ، حکمت اشراق ، حکمت مشاء ، کلام و حدیث ، به یک جهت خاص پرداخته و دارای روش مخصوص به خود می باشند اما حکمت متعالیه کمال خود را در جمع بین روشهای مذکور جستجو می کند. اگر چه عقل مراتبی دارد و قلب هم مراتبی ولی مجموع هماهنگ و مرتبط میان این دو یعنی فهم و شهود می شود حکمت متعالیه. صدرالمتهلین بارها در تألیفات خویش ذکر می کند که مطلبی بر او الهام شده است اما این امر سبب آن نیست که وی برای مدعای خویش برهان اقامه نکند. او قایل به ضرورت تلازم میان برهان ، وجدان و نقل می باشد و در این زمینه می گوید :

«و لا یحْمَلُ کلامنا علی مجرد المکاشفة و الذوق او تقلید الشریعة من

غیر ممارسة الحجج والبراهین و التزام القوانين ، فان مجرد الکشف غیر

کافی فی السلوک من غیر برهان کما ان مجرد البحث من غیر مکاشفة

نقصان عظیم فی السیر» (۱)

### روش بحث در حکمت متعالیه

در حکمت متعالیه نظرات به ظاهر متفاوتی ارائه شده است که می توان گفت که

همه آنها صحیح است. اگر به عمق این نظرات پی برده شود مشخص می گردد که

۱- اسفار اربعه ، ج ۷ ص ۲۶۲

اختلاف حقیقی میان آنها وجود ندارد. از آنجا که مخاطبان افراد متفاوتی هستند، باید با هریک به گونه ای سخن گفت که متناسب با درجه فهم و درک آنان باشد. از باب مثال ملاصدرا در جایی می فرماید که فاعل چیزی است که شیئی جدا از خود را بیافریند. در جایی دیگر وی قایل است که مبدء نخست تنها نسبت به ماهیت موجود فاعل است اما نسبت به وجودی که از او نشأت می گیرد فاعل نیست بلکه مقوم است. (۱) در مرحله عالی تر ایشان سخن را از این نیز برتر و بالاتر می برد و علیت را به تشن برمی گرداند و قایل به اکمال فلسفه می گردد. (۲) بنابراین اکمال فلسفه و اعلام نظر نهایی به معنای صرف نظر از حرف های قبل نیست زیرا که این نظرات با یکدیگر اختلاف حقیقی ندارند و در طول یکدیگر می باشند.

### تأثیر مبانی دینی در حکمت متعالیه

همان گونه که در بحث قبل به آن اشاره گردید حکمت متعالیه ریشه در نقل نیز دارد و آیات و روایات در شکل گیری آن تأثیر داشته است. صدرالمتهلین در تمام نوشته های خود اعم از فلسفی و غیر آن، آیاتی از قرآن ذکر نموده است که در تأیید نتیجه گیریهای خود آورده است. وی در مورد برخی از نوآوریهایش بر الهام گرفتن از آیت و روایات معصومین (ع) تأکید دارد و معتقد است که شرع و عقل در مسائل مربوط به حکمت با هم موافق هستند. (۳) او فلسفه ای را که مطابق کتاب و سنت نباشد حکمت و افعی نمی داند: (۴) و در این زمینه که حکمت با ادیان الهی مخالف نیست و هر دو در یک مسیر حرکت می کنند می فرماید:

«قد أشرنا مراراً أن الحكمة غير مخالفة للشرائع الحقة الإلهية، بل المقصود منها شيء واحد

هي معرفة الحق الأول وصفاته و أفعاله وهذه تحصل تارةً بطريق الوحي و الرسالة فتستبي

بالنبوة و تارةً بطريق السلوك و الكسب فتستبي بالحكمة و الولاية». (۵)

۱- الشواهد الربوبية ص ۷۹

۲- اسفار ج ۲ ص ۲۰۱ - ۲۹۹

۳- ر.ک: اسفار ج ۸ ص ۲۳

۴- ر.ک: اسفار ج ۵ ص ۲۵

۵- اسفار ج ۷ ص ۲۴۶

شهید مرتضی مطهری درباره تأثیر نهج البلاغه بر حکمت متعالیه می فرماید:  
« صدرالمتألهین که اندیشه های حکمت الهی را دگرگون ساخت  
تحت تأثیر عمیق کلمات علی (علیه السلام) بود. روش او در مسائل  
توحید بر اساس استدلال از ذات به ذات و از ذات بر صفات و افعال  
است و همه اینها مبتنی است بر صرف الوجود بودن واجب ، و آن بر  
پایه یک سلسله اصول کلی دیگر که در فلسفه عامه او مطرح است ،  
بناشده است» (۱)

در مبحث «ارتباط خدا و جهان در حکمت متعالیه» نیز که موضوع رساله است  
مبانی دینی تأثیر به سزایی در اندیشه ملاصدرا داشته است. در موارد مختلف این بحث  
ابتدا دلایل عقلی و فلسفی ذکر می گردد و سپس در انتها در تأیید مطالب مذکور به  
آیات و روایات مرتبط استناد می گردد.

### اهداف کلی و سؤالات ویژه

بیان حقیقت و چگونگی ارتباط میان خدا و جهان هدف اصلی بحث می باشد که  
بخش اعظم رساله به آن اختصاص دارد. از آنجا که طبق مبانی فلسفی اساسی ترین و  
محکم ترین نوع ارتباط ، رابطه وجودی میان علت و معلول است ، بنابراین فاعلیت الهی  
مهمترین مسئله ای است که با تبیین آن هدف مورد نظر دنبال خواهد شد. اثبات  
اطلاق و بی حد بودن فاعلیت خداوند نیز در راستای همین مقصود است زیرا فاعلیت  
مطلق الهی به این معنی است که او همواره با تمام موجودات عالم هستی ارتباط دارد و  
سلسله علل و اسباب موجود در عالم منافاتی با این اطلاق ندارد تا بتواند مخل به این  
ارتباط باشد. مسئله خلقت و آفرینش مدام الهی نیز که از مصادیق بارز ارتباط خداوند و  
خلق او می باشد ، هدف دیگر این نوشتار می باشد که نیل به آن مستلزم پاسخ به این  
سؤال است که عالم کثیر چگونه از ذات بسیط الهی صادر گردیده است. از آن جهت که  
بحث از علیت غایی نیز می تواند بیانگر نوعی ارتباط

۱- سیری در نهج البلاغه ، شهید مطهری ، ص ۷۶